

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضاء در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب..... با شماره داوطلبی..... با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره سندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کدکنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخنامه ام را تأیید می نمایم.

امضاء:

- ۱- معانی مقابل چند واژه، درست است؟
(رایزن: مشاور) (ردا: بالاپوش) (استماع: شنوایی) (جلجل: زنگوله) (مألوف: خو گرفتن) (عتاب کردن: سرزنش شده) (دانگ: یک ششم چیزی) (طرفه: عجیب)
- ۲- واژه‌های: «گرامیداشت، آرزومند، زبانه و شعله آتش، صرف» به ترتیب، معانی کدام واژه‌هاست؟
(۱) اعزاز، شایق، التهاب، مجرد
(۲) تکریم، شایق، قبضه، معیار
(۳) اعزاز، مسرور، شراره، مجرد
(۴) اقبال، فایق، التهاب، سبک
- ۳- معنی مقابل کدام واژه، کاملاً درست است؟
(۱) ولیمه: طعامی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.
(۲) پویدن: حرکت و جست‌وخیز برای مقصد نامعلوم
(۳) درهم: واحد پول طلا که ارزش آن بیش از دینار بوده است.
(۴) دینار: واحد پول و سکه نقره که در گذشته رواج داشته است.
- ۴- در کدام عبارت غلط املایی وجود دارد؟
(۱) پادشاهان صورتی چون عمارتی فرمایند، ننگ دارند که به خودی خود دست در گل نهند، به دیگران باز گذارند.
(۲) اندیشید و در حال جوابی مختصر چنان که صواب دانستند بر قفای ورق نشست.
(۳) رای زلت بخشای سعادت‌بخش بر ایشان ترحم فرمود و وی را بناخت.
(۴) هر کار که به قصد نقض عهد منصوب باشد مجال تجاوز فراختر باشد.
- ۵- در کدام بیت، غلط املایی وجود دارد؟
(۱) زهی ستوده خصالی که بر تو می‌زیبد
(۲) یکی شیر شرزه به چنگال تیز
(۳) و گر به خواست وی آید همی گناه از ما
(۴) گر ناقه را نه ناله مجنون شدی خدی
- ۶- در کدام گروه واژه‌ها، غلط املایی وجود دارد؟
(۱) صنف و گونه، افراط و تفریط، محوطه و صحن
(۲) سترگ و عظیم، حلقه و طوق، تلبیس و نیرنگ
(۳) متلألئ و درخشان، هرب و نزاع، خوالیگر و طباخ
(۴) ثقت و اعتماد، طاعنان و عیب‌جویان، تلمذ و شاگردی
- ۷- «هم‌صدا با حلق اسماعیل، سه دیدار و روزها» به ترتیب، از آثار چه کسانی است؟
(۱) رسول پرویزی، نادر ابراهیمی، مجید واعظی
(۲) حسن حسینی، رسول پرویزی، جلال متینی
(۳) مجید واعظی، جلال متینی، اسلامی ندوشن
(۴) حسن حسینی، نادر ابراهیمی، اسلامی ندوشن

۸- در کدام بیت، هر دو تشبیه گسترده و فشرده وجود دارد؟

- ۱) هر که از مهر تو چون ذره شود سرگردان
- ۲) من که با زلف چو چوگان تو گویی نزنم
- ۳) چند چون مرغ کنی سوی گلستان پرواز
- ۴) تو که یک ذره نداری خبر از آتش مهر

۹- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«آب آتش می‌برد خورشید شب پوش شما

- ۱) استعاره، تشخیص، تلمیح، تضاد
- ۲) مجاز، جناس تام، تضاد، تلمیح
- ۳) ایهام، استعاره، جناس تام، پارادوکس
- ۴) مجاز، ایهام، تشخیص، پارادوکس

۱۰- هر دو آرایهٔ مقابل کدام بیت، درست است؟

- ۱) پیمانۀ حیاتم پر شد فغان که نتوان
- ۲) برخیز تا به پای شود روز رستخیز
- ۳) شد چمن انجمن از بوی خوشش پنداری
- ۴) اسباب پریشانی جمع است برای من

۱۱- آرایه‌های «اسلوب معادله، تلمیح، تشبیه، حس آمیزی» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- الف) و صل، هجران است اگر دل‌ها ز یکدیگر جداست
 - ب) آبی که زندگانی جاوید می‌دهد
 - ج) نیست پروا عاشقان را از نگاه تلخ یار
 - د) از تهی مغزی است امید گشاد از ماه عید
- ۱) ج، ب، الف، د
 - ۲) ج، ب، د، الف
 - ۳) د، ب، الف، ج
 - ۴) د، ج، ب، الف

۱۲- نوع وابستهٔ وابسته در همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز:

- ۱) دیوانۀ قلمرو صحرای وحشتیم
- ۲) ای برق اگر به گوشۀ آن بام بگذری
- ۳) چون قضا سلسلهٔ زلف تو عالم‌گیر است
- ۴) ناز است سد راه و گرنه در اشتیاق

۱۳- در همهٔ ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم آوا» دارد؛ به جز:

- ۱) که شاه از مستمندان یاد کرده است
- ۲) نه جرم تشنه و نه جرم آب است
- ۳) گلستانی به تاراج چمن شد
- ۴) به کام دشمنان ناکام بودن

۱۴- با توجه به بیت زیر، کدام موارد کاملاً درست است؟

«گیرند مردم دوستان، نامهربان و مهربان

- الف) در بیت دو «واو» عطف وجود دارد.
 - ب) یک مسند در بیت وجود دارد.
 - ج) در بیت یک نقش تبعی یافت می‌شود.
 - د) در بیت یک صفت مبهم به چشم می‌خورد.
- ۱) الف، ب
 - ۲) الف، ج
 - ۳) ب، د
 - ۴) ج، د

دورش از روی چو خورشید درخشان مگذار
بیش از این گوی دلم در خم چوگان مگذار
راه آمد شد بستان به صبا باز گذار
ذره بی‌سر و پا را به هوا باز گذار

می‌رود آب حیات از چشمۀ نوش شما»

پیمان از او گرفتن پیوند از او بریدن (حسن تعلیل - جناس)
وانگه ببین شهید غمت در چه حالت است (تلمیح - ایهام)
که سمن در بغل و گل به گریبان دارد (جناس - حس آمیزی)
جمعیت اگر خواهی زان طره پریشان باش (پارادوکس - مجاز)

هجر باشد وصل اگر دل‌ها به هم پیوسته است
دارد اگر وجود، شراب شبانه است
دود خشک شمع ریحان تر پروانه است
ناخن تنها برای پشت سر خاریدن است

ما را سواد شهر بود آیهٔ عذاب
آنجا که باد زهره ندارد خبر ببری
گردنی نیست که در حلقهٔ زنار تو نیست
فرقی میانۀ دل ما و دل تو نیست

که شاه از مستمندان یاد کرده است
نه جرم تشنه و نه جرم آب است
گلستانی به تاراج چمن شد
به کام دشمنان ناکام بودن

هر روز خاطر با یکی ما خود یکی داریم و بس»

ب) یک مسند در بیت وجود دارد.
د) در بیت یک صفت مبهم به چشم می‌خورد.
۳) ب، د
۴) ج، د

۱۵- معنی «ساختن» در کدام بیت، متفاوت است؟

- (۱) بیاریسد دانتسده آهنگسـران
 (۲) دیدم که ملک فقر من از ملک جم به است
 (۳) کیمیای عشق او از خون دلها ساختند
 (۴) دوستان و دشمنان را آب و آتش فعل باش

۱۶- الگوی (نهاد + مفعول + مسند + فعل) در کدام بیت، یافت می‌شود؟

- (۱) بدین دو دیده حیران من هزار افسوس
 (۲) دامن دوست بدست آر و ز دشمن بگسل
 (۳) دیدن روی تو را دیده جان‌بین باید
 (۴) راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک

۱۷- مفاهیم «اغتنام فرصت، تلاش، توصیه به خویشتن‌داری، مذمت نفس‌پرستی» در کدام ابیات، به ترتیب، وجود دارد؟

- (الف) اگر بر خرد چیره گردد هوا
 (ب) که اندر جهان سود بی‌رنج نیست
 (ج) هنر با خرد در دل مرد تند
 (د) چو کاهل شود مرد هنگام کار
 (۱) د، ب، ج، الف (۲) ب، ج، د، الف
 (۳) الف، ب، ج، د (۴) د، الف، ج، ب

۱۸- مفهوم همه ابیات یکسان است؛ به جز:

- (۱) صبر کن ای دل که آخر رنج تو هم بگذرد
 (۲) دامن شادی چو غم آسان نمی‌آید به دست
 (۳) شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم
 (۴) به عیش کوش و میندار همچو ناهلان

۱۹- کدام بیت، «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

- «تعلیم ز آره گیر در امر معاش
 (۱) به گیتی ز بخشش بود مرد مه
 (۲) مدار و ببخش آن چه افزون بود
 (۳) اگر هزار گنه بینی از سپهر دو رنگ
 (۴) بخل عیبی است که صد فضل بپوشاند و جود

۲۰- کدام بیت، دربردارنده مفهوم بیت زیر است؟

- «رزق هر چند بی‌گمان برسد
 (۱) گر کند آفاق را چون صبح از احسان روسفید
 (۲) سعی در رزق کسان دل را منور می‌کند
 (۳) بی‌تردد، دامن روزی نمی‌آید به دست
 (۴) پوچ سازد مغزها را چرخ تا روزی دهد

یکی گرز سازند ما را گران
 زر وام کردم از رخ و خاتم بساختم
 عاشقانش در طلب زین روی جانها باختند
 بدسگالان را بسوز و نیک خواهان را بساز

که با دو آینه رویش عیان نمی‌بینم
 مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان
 وین کجا مرتبه چشم جهان‌بین من است
 بر زبان بود مرا آنچه تو را در دل بود

نخواهد به دیوانگی بر گوا
 هم آن را که کاهل بود گنج نیست
 چو تیغی که گردد ز زنگار کند
 از آن پس نیاید چنان روزگار

دولت و محنت نماند شادی و غم بگذرد
 پسته را خون می‌شود دل تا لبی خندان کند
 زود می‌آیند و زود می‌گذرند
 که عمر را عوض و وقت را قضایی هست

نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌باش
 تو گر گنج داری ببخش و مننه
 وز اندازه خورده بیرون بود
 بر او ببخش که بخشیدن گناه، خوش است
 کیمیایی است که صد عیب هنر گرداند

شرط عقل است جستن از درها
 نیست جز گرد کدورت رزق من زین آسیا
 کم بود دل‌های شب بی‌شمع بالین آسیا
 می‌کند با کاهلان این نکته تلقین آسیا
 باشد از ریزش فزون آوازه این آسیا

۲۱- همهٔ ابیات با سرودهٔ زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«گریه کنی اگر که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم نمی‌بینی»

حساب از همین یک نفس کن که هست
برآید که ما خاک باشیم و خشت
تو را آن روز باشد کاندر اویمی
تو فردا چنی گل نیاید به کار

۱) چو دی رفت و فردا نیامد به دست
۲) بسی تیر و دی ماه و اردی بهشت
۳) اگر سختی ببری ور کامجویی
۴) گلستان که امروز باشد به بار

۲۲- کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار

به سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن»
وطن گنج بود ویرانی
این وطن جایی است کاورا نام نیست
نتوان مُرد به سختی که من اینجا زادم
به دریا همچو سیل خوش خرام آورد مستان را

۱) در میان دلی و این چه عجب
۲) این وطن مصر و عراق و شام نیست
۳) سعدیا حب وطن گرچه حدیثی است درست
۴) کمند جذبهٔ حب‌الوطن از وادی غربت

۲۳- مفهوم بیت زیر از همهٔ ابیات دریافت می‌شود؛ به جز:

«نه بدو، ره، نه شکیبایی ازو

صد هزاران خلق سودایی ازو»
نه ماه تابد چون عارض تو بر گردون
نه قدرتی که به شوخیش در کنار کشم
نه احتمال نشستن نه پای رفتارم
نه صبر و طاقت آنم که از تو درگذرم

۱) نه سرو نازد چون قامت تو در بستان
۲) نه قوتی که توانم کناره جستن ازو
۳) نه روی رفتنم از خاک آستانهٔ دوست
۴) نه بخت و دولت آنم که با تو بنشینم

۲۴- هر بیت، به ترتیب بیانگر کدام وادی عرفانی است؟

الف) صد هزاران مرد گم گردد مدام

تا یکی اسرار بین گردد تمام
وانکه آتش نیست عیشش خوش مباد
هم دلی پر عشق دارم هم تهی
در زمین ریگی همان انگار نیست

ب) کس در این وادی بجز آتش مباد
ج) لیکن از عشقم ندانم آگهی
د) گر دو عالم شد همه یک بار نیست

۱) استغنا، حیرت، عشق، فنا

۲) استغنا، طلب، حیرت، معرفت

۳) معرفت، طلب، عشق، فنا

۴) معرفت، عشق، حیرت، استغنا

۲۵- مفهوم همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز:

۱) از دوستی‌ام سوخت دل خویش به صد داغ

بیگانه نکرد آن چه دل خویش به من کرد
اول بلا به مرغ بلند آشیان رسد
ز خود بایدهش گریه کردن نه خس
به فرجام، بد با تن خود کند

۲) گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد
۳) چو خس را درافکنند در دیده کس
۴) هر آن کس که اندیشهٔ بد کند